روزنه

قدم اول «شهر قدم اول»

لیلی گلستان

● بالاخره شـهری که معروف است به «شهر قدم اول» قـدم اول را در بین باقی شـهرها برداشـت و اولین اکسـپوی هنرهای تجسمی را برگزار کرد؛ امر بسـیار مهمی که می‌توانسـت خیلی پیـش از این اتفاق بیفتد.

شـاید متولیان فرهنـگ و هنر در شهرسـتان‌ها نمی‌داننـد که چـه اسـتعدادهای درخشـانی در شهرشـان دارند، که البته وظیفه دارند بدانند، یعنی کارشـان همین اسـت. کارشان رسـیدگی به امور فرهنگی و هنری شهرشـان است، کارشان این است که استعدادها را کشـف کنند و حامی آنها باشند و بسـتری برای اعتلا و ارتقای هنـر و فرهنگ ترتیب دهند که متأسفانه این‌چنین نیست.

بالاخره باز هم بخش خصوصی پا پیش گذاشت و آقایان محقق و پولاد دو نفر از سـرمایه‌داران اهل فرهنگ و هنر تبریز حامی برگزاری اکسپو شدند.

کاش سـرمایه‌داران شـهرهای دیگر مثل رشت، اصفهان، مشـهد یا کرمانشاه و کردستان هم به این کار خیر و مهم تأسی و برای معرفی استعدادهای شهرشان اقدام کنند.

مالکان هتل کایا لاله پارک تبریز (که عجب هتل زیبا، باسلیقه و فوق‌العاده‌ای بود) یک طبقه از هتل را به اکسـپو اختصاص دادند و نمایشـگاهی از آثار برگزیده هنرمندان تبریزی را برگزار کردند. مؤسسـه فرهنگی -هنری شـمس تبریزی به مدیریت محمد محمودی، مجری برنامـه و آقای مجید فتحی هم مدیربرنامه بود.

۸۰ اثر برگزیده اکسـپو بسیار درست و با کیفیت انتخاب شـده بودند و چیدمان درسـت و معقولی داشتند. چند سخنرانی در راستای اقتصاد هنر برگزار شـد و بحث یک درصد خرید از بودجه وزارتخانه‌ها دوباره مطرح و پیشـنهاد شـد این مصوبه به اجرا درآید تا بـا خرید آثار هنری از سـوی وزارتخانه‌ها، اقتصاد هنر پررونق‌تر شود.

به گفته دسـت‌اندرکاران تبریزی، هیچ گالری‌ای بیش از دو سال نتوانسته در تبریز دوام بیاورد و بسته شده و دلیلش هم فقط‌وفقط نبود خریدار است.

می‌دانیم یکی از وظایف مهم گالری‌دارها در هر جای دنیا به‌وجودآوردن خریدار و مجموعه‌دار است و این کار مهم در تبریز اتفاق نیفتاده است. نمونه‌اش در همین اکسـپو بود که هیچ‌یک از صاحبان صنایع و کارخانه‌داران تبریز به دیدن اکسـپو دعوت نشـده بودند و طبیعی بود که خریدی هم صورت نگیرد.

ایـن کار سـاده‌ای بود کـه اگر با تدبیر درسـت انجام می‌گرفت و به مشـورت‌ها و پیشنهادها توجه بیشتری می‌شد، حتما تابه‌حال می‌توانستند فروش فوق‌العاده‌ای داشته باشند.

فرصت مغتنمی بود که متأسفانه از دست رفت و تجربه‌ای بود که امیدوارم در اکسـپوی دوم از آن عبرت گرفته شود و شهرهای دیگر این مقوله دعوت از صاحبـان صنایع و سـرمایه‌داران را حتما مدنظر داشته باشند.

در همین‌جـا به‌عنوان فـردی از جامعه هنری ایـران، از حامیان این اکسـپو و مجریان این برنامه بسـیار سپاسـگزاری می‌کنم و از سـوی خودم و چنـد گالری‌دار دیگـر تهران آمادگی‌مـان را برای دراختیارگذاشـتن تجربه‌هـا و تخصص‌هایمان در جهت برگزاری بهتر اکسـپوی تبریز اعلام می‌کنم. به امید روزهـای پربارتر برای هنرهای تجسـمی ایران

جارچی

انتشار «ماه تابان» به یاد جلیل شهناز

● **گـروه هنر:** آلبوم «ماه تابان»، به آهنگ‌سـازی علی خشتی‌نژاد، خوانندگی محمدسعید شاهری و تنظیـم محمد وکیلی بـا دربرگیری قطعه‌ای از جلیل شـهناز به یاد این هنرمند منتشـر می‌شود. در ایـن اثر که هفته آینده از طریق نشـر جوان در بازار موسـیقی منتشر می‌شود، تصانیفی براساس اشـعاری از مولانا، حسـین منزوی و غلام‌عباس خشتی‌نژاد در دستگاه همایون، نوا، بیات اصفهان و بیات ترک به چشم می‌خورد.

علی خشـتی‌نژاد، آهنگ‌سـاز این اثـر، درباره شـکل‌گیری آلبـوم «مـاه تابـان» گفـت: اولین جرقه‌های این کار در همکاری با مؤسسه سروش مولانا زده شـد، به‌طوری‌که سه تصنیف بر اساس اشـعار مولانا سـاختم و به‌همراه محمدسـعید شاهری در مراسـم سـالروز حضرت مولانا اجرا کردیم، به دنبـال آن تصانیف دیگر این اثر را روی اشـعاری از حسـین منزوی و پدرم سـاختم و در نهایت با چندین تک‌نـوازی در قالب یک آلبوم با عنوان «مـاه تابان»، به خوانندگی آقای شـاهری شکل گرفت.

او ادامـه داد: یکـی از قطعات ایـن آلبوم بر اسـاس پیش‌درآمدی از اسـتاد جلیل شهناز و با تقدیم به ایشان ساخته شـده که تصمیم گرفتیم اثرمان را به یاد ایشـان در بازار موسـیقی منتشر کنیم.

واکنش منتقدان به اعلام نام ۱۰ فیلم ایرانی کاندیدای معرفی به اسکار

شانس کم سینمای ایران در اسکار ۲۰۱۸

بهناز شیربانی- رضا آشفته: هیئت معرفی فیلم ایرانی به فرهنگستان علوم و هنرهای سینمایی، فهرست کوتاه ۱۰ فیلمی را که برای بررسی بیشتر در نظر گرفته است، منتشر کرد. نتایج بررسی فیلم‌هایی که در یک‌سال اخیر به نمایش عمومی درآمده‌اند فهرست ۱۰تایی فیلم‌هایی است که از نگاه هیئت انتخاب فیلم به آکادمی اسکار، شامل سیروس الوند (کارگـردان)، مجید انتظامی (آهنگ‌سـاز)، محمد بزرگ‌نیا (کارگردان)، کمال‌تبریزی (کارگردان)، سیدجمال سـاداتیان (تهیه‌کننده)، رسـول صدرعاملی (کارگردان)، جواد طوسـی (منتقـد)، رضا کیانیـان (بازیگـر) و امیر اسفندیاری (معاون بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی) اینها هستند: «برادرم خسـرو»، به کارگردانی احسان بیگلری، «بیست و یک روز بعد»، ساخته سیدمحمدرضا خردمندان، «خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم»، به کارگردانی حمیدرضا قربانـی، «رگ خواب»، سـاخته حمیـد نعمت‌الله، «لاک قرمز»، به کارگردانی سـیدجمال سـیدحاتمی، «ماجرای نیمروز»، سـاخته محمدحسـین مهدویان، «مالاریا»، به کارگردانی پرویز شـهبازی، «نفس»، ساخته نرگس آبیار، «وارونگی»، بـه کارگردانی بهنام بهـزادی و «ویلایی‌ها» به کارگردانی منیر قیدی. بـه گزارش روابط‌عمومی بنیاد سـینمایی فارابـی، «علیرضـا تابش»، مدیرعامـل بنیاد سـینمایی فارابی، در نخستین نشسـت این هیئت ضمن خوشامدگویی به اعضا و اشـاره به پیچیدگی‌هایی که در تشکیل این هیئت وجود دارد، گفت: «طبق روال هرساله، نامه‌ای به ریاسـت سازمان سـینمایی درخصوص نحوه تشکیل هیئت ارسال شد و در مکاتباتی جداگانه، فهرست نمایندگان پیشنهادی از خانه سینما و فهرست فیلم‌های برنامه اکران در فاصله مقرر یک‌ساله از معاونت ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی درخواست شد». او ادامه داد: «با توجه به آنکه اعضای هیئت می‌بایسـت در فیلم‌های فهرسـت برنامه اکران ذی‌نفع به حساب نیایند، این روند کمی طولانی می‌شـود. از سـوی دیگر، تمایل سـازمان سـینمایی و بنیاد فارابی برای اینکـه نمایندگان خود را از میان سینماگران نام‌آشنا برگزینند، مسببی برای تعامل بهتر و کامل‌تر با خانه سـینما محسوب می‌شود».او افزود: «با وجود معرفـی فیلم برای رقابت در رشـته بهترین فیلم خارجی‌زبان از سـال ۱۹۵۷، به سه نامزدی اسکار در این رشته دست پیدا کرده و سـینمای نوین ایران در ۲۲ سال اخیر که به شـکلی منظم نماینده خود را به فرهنگستان معرفـی کرده، دو جایـزه و یک نامزدی در این رشـته به دست آورده است».مدیرعامل این بنیاد اظهار کرد: «سابقه معرفی فیلم‌های شایسـته‌ای که در رویدادهای داخلی و بین‌المللی آبرومند و موفق بوده‌اند، در این موفقیت‌های جهانی نقشی بسزا داشته است».

فیلم‌هایی در سطح یکدیگر

احمد طالبی‌نژاد، منتقد سینما، درباره پروسه انتخاب فیلم ایرانی برای حضور در آکادمی اسـکار به «شـرق» گفت: «نکته‌ای در مورد معرفی فیلم به آکادمی اسـکار وجود دارد؛ اینکه اسکار با جشنواره فیلم فجر، یا جشنواره دفاع مقدس و... تفاوت دارد. واقعیت این است که اسکار جشنواره نیست و رقابتی است در سینمای حرفه‌ای دنیا و در این پروسه در بخش فیلم‌های خارجی‌زبان فیلم‌ها از سراسر دنیا با هم رقابت می‌کنند».او ادامه داد: «قطعا در وهله اول فیلم‌ها باید از اسـتانداردی برخوردار باشند و از طرف دیگر معرف فرهنگ سرزمینشـان باشـند و از همـه اینها مهم‌تر این اسـت که پخش‌کننـده خارجی فیلم آن‌قدر نفوذ و قدرت داشـته باشـد که بتواند فیلم را به‌درسـتی معرفی کند و قدرت عرضه فیلم را داشته باشـد».طالبی‌نژاد در بخش دیگـری از صحبت‌هایش گفت: «بـه نظر می‌رسـد برخی فیلم‌ها بنـا بر مصالح خاصی انتخاب شده‌اند و باز هم تأکید می‌کنم که انتخاب فیلم برای آکادمی اسکار با سایر جشنواره‌های سینمایی؛ مثل جشنواره دفاع مقدس یا مقاومت و... متفاوت است، اما در مورد فهرسـت ۱۰تایی که رسانه‌ای شده است باید بگوییم نگاه منِ منتقد با اعضای آکادمی متفاوت اسـت. اعضای آکادمیِ اسکار منتقد نیستند و درک آنها از سینما ماورای چیزی است که ما داریم و معیار، معیار سینمای حرفه‌ای است و با جشنواره‌های دنیا نیز متفاوت است و در مورد فیلم‌هایی که در فهرست ابتدایی هیئت انتخاب فیلم برای اسکار آمده اسـت تنها می‌توان گفت که این فیلم‌ها همگی در سطح هم هستند».

دولکو: هیچ‌کدام از فیلم‌ها شانسی ندارند

شـاهرخ دولکو، دیگر منتقد سـینما، نیز به «شرق» گفت: «با احترام به تمامی دوسـتانی که فیلم‌هایشـان در این فهرسـت هسـت، باید گفت از نظر من هیچ‌کدام از فیلم‌ها شانسـی در اسـکار نخواهند داشت. انتخاب اعضای کمیته معرفی فیلم به آکادمی اسکار درست بوده و با توجه به گزینه‌های اعلام‌شده کارشان را درست انجام داده‌اند و به نسبت سایر تولیدات، فیلم‌های معرفی‌شده فیلم‌های بهتری هستند».او ادامه داد: «اما سابقه اسکار نشان داده است، درام‌های قوی و پرداخت‌های مبتکرانه، نو و جذاب اهمیت ویژه‌ای در آکادمی اسـکار دارد و این ۱۰ فیلم متأسفانه در این موقعیت نیستند».

بازهم انتخاب‌های دقیقه‌نودی

همیشه پیش از اعلام فهرسـت کوتاه ۱۰ فیلم برای معرفی به آکادمی اسکار، گمانه‌زنی‌هایی در مورد اینکه کدام فیلم قابلیت نامزدی این بخش را دارد می‌شـود. فارغ از بضاعت سـینمای ایران، همیـن نکته که دقیقا تنها چند هفته مانـده به اعلام نامزدهای موردنظر و در نهایت فیلمی که باید به‌عنوان نماینده ایران در آکادمی اسکار حضور داشته باشد، بحث و نظرها آغاز می‌شود. با توجه به اینکه با نگاه به ظرفیت یک‌ساله سینمای ایران می‌توان مدت‌زمان بیشـتری را به این انتخاب اختصاص داد. پروسـه انتخاب فیلم برای آکادمی اسکار در تمامی کشورها کم‌وبیش یکسان است و شاید با اندکی تفاوت، برخی کشـورها برنده جایزه ملی کشورشـان را شایسته حضور در این رقابت می‌بینند و برخی کشورها از جمله دانمارک انستیتو فیلم، گزینه‌ای را برای معرفی انتخاب می‌کند، اما تفاوت انتخاب فیلم برای معرفی به آکادمی اسـکار در ایران با سـایر کشـورها زمان‌بندی محدودی اسـت که همه‌چیز به هفته‌های آخر منتهی می‌شـود. بخش غیرانگلیسی‌زبان جوایز اسکار یکی از جذاب‌ترین بخش‌های جوایز اسـکار اسـت و فیلم‌های بلندی که خارج از آمریکا تولید شده باشند و دیالوگ‌های به‌کاررفته در آنها عمدتا غیرانگلیسـی باشـند، مجاز به رقابت در آن هستند. بااین‌همه باید چند روز دیگر منتظر خبرهای بعدی شورا ماند تا نام نماینده ایران در سالن کداک‌تئاتر به صورت رسمی اعلام شود.

گفت‌وگو با خسرو دهقان ، منتقد

پرستیژ «اسکار» برای سینما نان نمی‌شود

خسـرو دهقان، تدوینگر و منتقد سـینمای ایران، نمی‌خواهد یک فیلم از میان ۱۰ فیلم برگزیده خانه سـینما و بنیـاد فارابی را انتخاب کند چون معتقد اسـت باید فیلمی انتخاب شود که با ملاک و معیارهای اسکاری‌ها همخوانی داشـته باشـد. در این گفت‌وگو این قضیه را بیشـتر برایمان می‌شکافد:

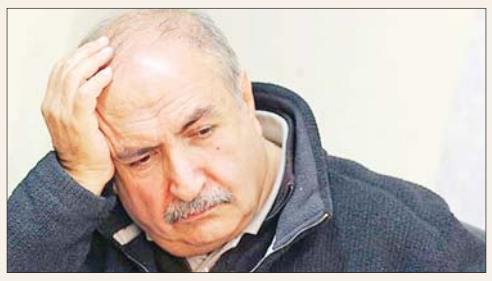

از میان ۱۰ فیلم برگزیده ازسوی هیئت انتخاب خانه سینما و بنیاد فارابی کدام یک را انتخاب می‌کنید؟

انتخابی ندارم.

درباره این ۱۰ فیلم چه نظری دارید، کدام به اسکار معرفی بشود بهتر است؟

در کل و واقعـا از کـوزه همـان برون تـراود که در اوسـت و اینها عجیب‌وغریب نیسـتند بلکه سـینمای ایران همین است که این ۱۰ فیلم را از میان آن انتخاب کرده‌اند که چندان هم عجیب‌وغریب نیسـت بلکه این همان ظرفیت سـینمای ماسـت و البته روزگاری باید درباره اهمیت سـینمای مستند و کوتاه گفت که بحث دیگری است و ما در این زمینه‌ها فیلم‌های با ارزشی داریم.

نظرتان درباره انتخاب یکی از ۱۰ تا؟

خـودم نظر مشـخصی ندارم اما دربـاره انتخاب فیلم برای اسـکار معتقدم کـه باید خیلی مراقب باشـند و چندان دنبـال ارزش و معیار اینجایـی نباشـند که کدام فیلم خوب و بد یا با ارزش و بی‌ارزش اسـت و این درسـت مثل عملکرد صاحب رسـتوران و آشپزی است که غذا را برای خودشـان طبخ نمی‌کنند بلکه غذا را برای مشتری می‌پزند و ذائقه مشـتری برایشـان خیلی اهمیت دارد و الان هم باید دیـد آن طرف به اسکار چگونه نگاه می‌کنند و ملاک و معیارشان برای انتخاب اسکاری‌ها چیسـت. الان نمی‌توانیم شعار بدهیم که اسـکار بد و نفرت‌انگیز است چون ضمن معرفی فیلم به اسـکار داریم آن را هم تأیید می‌کنیم و برای همین متلک‌گفتن درست نیسـت بنابراین دقیق بشویم که ذائقه آنها را برای انتخابمان در نظر بگیریم.

کیفیت و ارزشمندی فیلم‌ها از نظر من و شما برای آنها ملاک نیست و الان خانه سینما نمی‌تواند بنابر نظر سلیقه‌ای‌اش کاری را معرفی کند بلکه باید بنابر ذائقه خود اسـکار فیلم برگزیده‌اش را به آنها معرفی کند و به‌قول‌معـروف باید ایـن علف به دهان بزی شـیرین بیاید و ما طوری سرویس بدهیم که رضایت آنها را جلب کنیم.

بنابراین چه پیشنهاد کلی دارید؟

به نظرم آنها از ملودرام‌های انسـانی بیشـتر خوششان می‌آید و اگر در فیلمی گرفتاری‌ها و بلایا و انسانی‌شـدن وضعیت بیشتر رعایت شده باشـد، ایـن ملودرام‌ها خیلی باب طبع آنهاسـت و با خواسـت و میل اسکاری‌ها سر سازگاری بیشتری دارد.

با توجه به اینکه سینمای ایران برای دو بار در اسکار برگزیده شده، آیا از این به بعد باید با حساسیت بیشـتری فیلم‌هایمان را به اسکار معرفی کنیم؟

سـینمای ایران - خوب یا بد، درست یا غلط- بخشی از جشنواره‌های جهانی اسـت و در ویترین آنها یک جایی برای سـینمای ایران باز است، سینمای ایران دو، سه دهه است که در این بازار و تشکیلات جشنواره‌ای در سراسر عالم حضور دارد و درست مثل ویترین بقالی می‌ماند که از این متاع و مارک هم دست‌کم یک قلم باید داشته باشند.

آیا سـینمای ما آن‌قدر پیشـرفت کرده که بگوییـم با معیارهای جهانی داریم فیلم تولید می‌کنیم؟

تنها نکته این اسـت که بگوییم انتخاب و جایزه خوب است و درست مثـل فوتبـال، والیبال، المپیاد ریاضی و شـطرنج و مانند اینهاسـت که فیلم‌هایـی از ایران برگزیده می‌شـوند و این موفقیت مایه سـربلندی و خوشحالی می‌شود و مثل این می‌ماند که فلان پسرخاله در کنکور قبول شـده و برای موفقیتش باید جشن گرفت و به‌قول‌معروف از چریدن این گوسفند دنبه‌اش کو؟ شاید چند دلار و پوند وارد ایران بشود اما این بیشتر در حد جلب پرسـتیژ اسـت و نه اینکه به چرخه کلی سینمای ما کمک بکند.

یعنی چندان سود کلانی برای سینمای ما نداشته؟

فقط در حد آوردن پرسـتیژ اسـت و ما نمی‌توانیم با این پرسـتیژ به نانوایی برویم و نان بخریم شـاید نانوا به شما احترام بگذارد اما به شما نان نمی‌دهد.

درواقع این پرسـتیژ باعث سربلندی اسـت و با پوشیدن کت و شلوار نو نمی‌شـود که نان و خرج زن و بچه را تأمین کرد و الان کسی مهندس باشـد و شـب که به خانه برود بایـد با نان سـنگک و هندوانه برود که همسرش تحویل بگیرد وگرنه پز مهندس‌بودن که نان نمی‌شود.

منظورتان این اسـت این جوایز و جشـنواره‌ها کمکی به چرخه اقتصادی ما نکرده‌اند؟

منظورم تکنولوژی، صنعت و درکل سینماسـت چون سینما هزینه‌بر اسـت و یک فیلم کمش در حدود یک میلیارد هزینه می‌برد و مثل شعر نیسـت که شاعر با قلم و چهار ورق کاغذ و تخیلش می‌نشیند و شعرش را می‌گوید. فکر می‌کنم اقتصاد سـینما و چرخه سـینما و سـالن‌داری نیازمند بسیاری از چیزهاست که از طریق حضور در این جشنواره‌ها هیچ یک از اینها متحول نشده‌اند و امکاناتی به سینمای ما افزوده نشده است. بنابراین پرستیژ کافی نیست.

آیا پیشـنهادی دارید برای اینکه موازنه‌ای برقرار بشود و ضمن رفتن به جشنواره‌ها امکانات سینمایی ما نیز توسعه بیابد؟

نه، مـن هم مانده‌ام چون خودم هم پاسـخی برایـش ندارم و فکر نمی‌کنم موازنه‌ای هم انجام بشـود و فقط می‌دانم نباید به پرستیژ اکتفا کنیـم چون باید دنبال چیزهایی باشـیم که دسـتمان را بگیرد و بتوانیم سینمای توسعه‌یافته‌ای داشته باشیم.

و درباره اسکار؟

انتخـاب برای اسـکار کار آسـانی نیسـت بلکه خیلی هم سـخت اسـت و این مثل معادله‌ای اسـت که نمی‌شـود به‌درستی حلش کرد؛ امـا پیشـنهادم؛ الگویی را معرفی کـردم کـه در آن درنظرگرفتن ذائقه اسـکاری‌ها باید ملاک و معیار باشد و اینکه ما بگوییم این فیلم خوب یا بد اسـت و اصولگرا و اصلاح‌طلب چنین می‌گویند، اصلا برای آنها مهم نیست. باید فیلمی را بفرستیم که آنها خوششان بیاید.

جنوب ایتالیا میزبان «چشم‌اندازهای معاصر»

آثار ۱۴ ایرانی و ایتالیایی به «کاپری» رفت

گـروه هنر: این روزها نمایشـگاه هنری «چشـم‌اندازهای معاصر» با نام «ضمیر و مضمون»، برای چهارمین سـال پیاپـی در دیر موزه تاریخـی چرتوزا دی‌سـن جکومو در جزیره زیبـای کاپری در جنوب ایتالیا برپاسـت. آثار هفت هنرمند ایرانی و هفت هنرمند ایتالیایی به همت مجموعه گالری‌های آرت‌سـنتر تهران و بنیاد گاروتـزو در این موزه تاریخی هم‌نشـین هم شده‌اند تا ضمن بیان و نقد گذشته، از امروز بگویند و پیوندهای فرهنگی دو کشـور را تعمیق بخشند. وحید ملک، مدیر مجموعه گالری‌های آرت‌سنتر، در ضیافتی که برای برپایی این نمایشـگاه در موزه چرانوزا دی‌سـن جکومو برگزار شد، در سـخنانی گفت: «ایران و ایتالیا، مظهر دو تمدن شـرق و غرب قرابت‌های فرهنگی بسیاری دارند و جالب است که تصادفا مشترکات دو کشور در سـه رنگ پرچم نیز وجود دارد که در این نمایشگاه به شـکل سـمبولیک اثر سـه‌لت هنرمند کالیگراف ایرانی، علیرضا سعادتمند، در سه رنگ سبز، سفید و سرخ به‌عنوان فصل مشـترک دو کشـور به نمایش گذاشته شده است». مدیر آرت‌سـنتر تهران تأکید کرد: «ایران و ایتالیا کشورهای نوین و دارای ملتی کهن هسـتند و این کهن‌بودن همراه با احساسات مشـترک دو ملت را به هم نزدیک کرده است. به قول سفیر سـابق ایتالیا در ایران، ایران و ایتالیا دو مهد فرهنگ و تمدن در دو منطقه خاورمیانه و مدیترانه سـهم بسـزایی در ارتقای سـطح فرهنگ جوامع پیرامونی خود داشته‌اند. احساس ایشان حاکی از این است که ایتالیایی‌ها، ایرانی‌هـای اروپـا و ایرانی‌هـا، اروپایی‌هـای خاورمیانه هسـتند و اگر قرابت و نزدیکی ملت‌هـای دنیا مانند ایران و ایتالیا باشد، بیشتر دشـمنی‌ها به دوستی و صلح تبدیل می‌شـود».روزلبا گاروتزو، بنیان‌گذار بنیاد گاروتزو، سخنران بعدی این آیین بود. او گفت: «مشـکلات بسـیاری بر سر راه این نمایشـگاه بودند که با آشنایی با آقای وحید ملک کـه همچون ما عاشـق هنر و همکاری‌هـای بین‌المللی اسـت، حل شـدند. به‌حق می‌توان گفت این نمایشـگاه نمونه‌ای است از همیاری میان بخش دولتی و خصوصی، نهادهای ملی و محلی، کشـورهایی با مختصات متفاوت و میـل همکاری بـا نام فرهنگ و هنر. اجـازه دهید دیگر هنرمندان با آثارشان با ما سخن بگویند».پاتریتزیا دی‌مجو، مدیر موزه چرتوزا دی‌سـن جکومو، نیز در سخنانی گفت: «چراتوزا دی‌سن جکومو یکی از شاخص‌ترین بناهای قطب موزه‌ای کمپانیا، بـار دیگر درهایش را به روی هنر معاصر می‌گشـاید، با این اعتقاد که درهم‌آمیـزی این ابنیه با هنر امروز، در صـور مختلف، باعث می‌شـود بهتر محافظت شود. نمایشگاهی که از طرف «بنیاد گراوتزو برای هنرهای تجسـمی» با همکاری قطب موزه‌ای کمپانیا امسال ارائه می‌شـود، به ۱۴ هنرمند اختصاص دارد کـه ایران و ایتالیا کار می‌کنند و آثارشـان ضمیر (فکر، گذشـته) و مضمون، (بدن، حـال) را در ارتباط قرار می‌دهند».سـفیر ایران در ایتالیا، دیگر سخنران این مراسم بود؛ جهانبخش مظفری گفـت: «اگر موضوع تداوم را به‌عنوان یکی از عوامل مهم در روابط میان کشـورها در نظر بگیریـم، باید این نکته را متذکر شـویم که روابط میان ایران و ایتالیا طولانی‌ترین و بادوام‌ترین در تاریخ روابط ایران با دیگر کشـورها هستند. این تداوم به حدی اسـت که برخی محققان بر این باورند که تاریخ روابط میان این دو کشـور با تاریخ روابط شرق با غرب برابری می‌کند و با آن منطبق اسـت».آنتیمو چزارو، معاون وزیر فرهنگ ایتالیا، هم در این مراسـم حاضر بود. او با ستایش نقاشیخط ایرانیان، گفت: «چه خوب است که ایرانی‌ها با این گونه هنری، هویت دیرسال خود را به شکل معاصر تجلی می‌بخشـند، امیدوارم هنرمنـدان ایتالیایی هم با چنیـن خلاقیت‌هایی فرهنگ غنـی دیروزمان را به امروز پیوند زنند».جوانی دمارتینو، شـهردار کاپری، هم در این مراسـم ضمن خوشـامدگویی از حضور چنین رویداد هنری در جزیره کاپری ابراز خرسندی بسیار کرد. اکبر قولی، رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا، سخنران دیگر این آیین بود: «همکاری مؤسسـه هنرهای بصری Garuzzo در سفر راه ابریشم و آرت‌سنتر تهران با این میزان شباهت در اندیشه و اهداف، اجتناب‌ناپذیر بوده و رایزنی فرهنگی ایران در ایتالیا نیز در مقام متولی برون‌مرزی دیپلماسی فرهنگی ایران با استقبال از همکاری‌های آتی و اعلام آمادگی درخصوص آن، معارفه دو دوست دیرآشـنا در اهداف‌شان را بر خود فرض دانسـته است».شـایان ذکر اسـت این نمایشگاه تا ۳۱ سـپتامبر با حضور هنرمندانی همچون افتر آل، فیلیپو چنتاری، فابریتزیو کوتونینی، پاملا دیامانته، پیرپائولو لیستا، جوانی ترمینی، چیرو ویتال از ایتالیا و علیرضا سـعادتمند، فیـروزه اخلاقـی، محمدهادی فـدوی، شـهرام کریمی، علیرضا کریم‌پور، سـحر صالحی و امیر بختیارسنجابی از ایران دایر است.

پشت بوم

آقای وزیر فرهنگ دقیقا کجایی؟

حسین هاشم‌پور

● این روزها کانال‌های تلگرام دلواپسـان می‌نویسند وزیر فرهنگ به کنسرت موسیقی نمی‌رود، چون به آن اعتقادی ندارد... .

یک: سـیدعباس صالحی، چهارم شهریور در آیین معارفـه‌اش گفته بود: «فرهنگ، معاشـرت اسـت، همدلی و هم‌نفسی است...»، اما او این روزها در همه فرصت‌های خوب معاشرت غیبت دارد!

او که گفته بود: «دولتمردان به شـنیدن بیشتر نیاز دارند تا گفتن»، در روز سـینما در جمع سـینماگران حاضر نشد تا دغدغه‌هایشان را بشنود؛ تصور می‌کردم حتما برای شـنیدن زخمه کمانچه استاد کیهان کلهر خواهد رفت، شاید حتی رنج سفر بر خود هموار کند و برای خانه تنبور همنشین استاد حسین علیزاده میهمان کرمانشاه شود؛ یا دسـت‌کم در میان دولتمردانی که به دیدار کنسـرت- نمایش «سـی» رفتنـد، او هم به فردوسی‌خوانی امروزی خواهد نشست؛ اگر راه کرمان دور است و نمی‌تواند به جشـنواره تجسمی جوانان برود، حتما به جشـنواره موسـیقی جوان که دو، سه خیابان آن‌طرف‌تر از دفتر وزارتش است، سرزده سرکی می‌زند و احوالپرس فردای موسـیقی می‌شود، همه اینها نشـد، انبوه نمایشگاه‌های تجسمی و شبانه‌های پرشور تئاتر را درمی‌یابد...، اما یک‌به‌یک این فرصت‌ها گذشتند، برخی‌شان تکرارنشدنی هستند و برخی‌شان هم رفتند تا سال بعد و وزیر فرهنگ از آنها جا ماند.

دو: آفتـاب پس‌فـردا طلـوع کنـد، ردای وزارت آقای سـیدعباس صالحی یک‌ماهه می‌شـود. شاید سین‌جیم‌کردن بابت چنین زمانی، غریب به نظر برسد، اما سی‌ویکم مرداد در همین ستون نوشتم: «ماه‌عسل آنها که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مسندی تکیه می‌زنند، به یک ساعت هم نمی‌رسد»، هنرمندان نسـل انقلاب مانند پیش‌کسـوتان، حوصله صبوری ندارند، حتی این جمله را که جامعه هنری باید اعتماد حاکمیت را جلب کند برنمی‌تابند و آن را ناسپاسـی می‌پندارند، می‌گویند «چرا نباید به ما اعتماد داشـته باشند؟!»

ایفای نقش تعیین‌کننده هنرمنـدان در انتخابات ریاسـت‌جمهوری یک پیام روشـن دارد: «اسـتیفای حق شـهروندی هنرمندان تمام‌وکمـال»؛ دولت باید بـدون لکنت‌زبان، همه حقوق قانونـی هنرمندان را محقق کند، ویترین این اتفاق نه گفتار، بلکه رفتار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است، حضور کم‌رنگ او میان هنرمندان پالس‌هایی برخلاف انتظارات جامعه هنری است.

سـه: دور از انصـاف اسـت اشـاره نکنـم همه شـنیده‌هایم حاکی از حسـن خلق و روحیه فرهنگی آقـای صالحی اسـت، حتـی یادداشـتی از همکار صاحب‌قلممان، مهرزاد دانش، در مجله وزین «فیلم» خواندم که چهار سال گذشته در معاونت فرهنگی با جناب صالحـی کار کرده‌اند و به سـجایای اخلاقی، منـش معتدلانه و حتـی نزدیک بـه اصلاح‌طلبانه او شـهادت داده‌اند، اما راسـتش اینجا در دولتی که روزهایش به برق و بادی سـپری می‌شـود، هروقت ماهی را از آب بگیری، تازه نیست؛ توقعات تلنبارشده هنرمندان همان معاشرتی را که وزیر در بدو ورودش به‌درستی تشخیص داد، به ضرورت نیاز دارد؛ جامعه هنری درد دارد و شبکه‌های مجازی که نفرت را پمپاژ می‌کننـد، عدم حضور وزیـر فرهنگ در یـک رویداد را بهانـه می‌کنند و روی همین اعصـاب دردناک راه می‌روند، ازاین‌روسـت کـه بهتر بود ۲۱ اردیبهشـت به‌جای دیدار با ناشران که لابد این چهار سال حسابی با وزیر نوآمده معاشرت داشته‌اند، در روز ملی سینما رخی نشـان می‌داد و حضور مسـتمر در رویدادهای هنری را الزامی می‌دانست.

تماشاخانه

با تهیه‌کنندگی ستاره اسکندری

«عروسی خون» در باران اجرا می‌شود

● **گروه هنر:** نمایش «عروسی خون»، با ترجمه احمد شـاملو، به کارگردانی مسـعود نورمحمدیان، در تئاتر باران روی صحنه می‌رود. این نمایش محصول کارگاه «بازیگری تا اجرا» است که از سوی آموزشگاه هنرهای نمایشـی باران برگزار شـده و بازیگـران این نمایش هنرجویان این دوره هستند. سـتاره اسکندری، بازیگر سـینما و تئاتر، علاوه بر مشاور کارگردان، تهیه‌کنندگی ایـن اثر را نیز بـر عهده دارد و کمپانـی تئاتر باران نیز مجری طرح این پروژه اسـت. هانیه سـعیدی، میلاد اسـکندری، سـوگند منتظر، مارال عبداللهی، عباس سهراب، سپیده ملک‌محمدی، مهدیه اردبیلی، محمود پیری، روژان کیانی، ندا قاسمی، مهدی خدایاری، علی رضاخانی، هدیه فروغ، حسین عماری و آیلار نوشهری بازیگران نمایش «عروسی خون» هستند. سایر عوامل این اجرا عبارتند از: گروه موسـیقی: حسـین عماری، نیما مهرزاد و مینا صابری، گریم: پوریا امامی، عکاس: محمود پیری و طراح پوستر و بروشور: فرزان شمس. نمایش «عروسی خون» از ۲۶ شهریورماه به مدت یک هفته در تئاتر باران، واقع در خیابان فلسطین، پایین‌تر از خیابان انقلاب، پلاک ۲۹۲/۱ روی صحنه می‌رود.